

ما دختر دارها



شاعر و نویسنده
حامد عسکری

دختر داشتن حس غریبی دارد. قشنگ می توانی ببینی یک تکه از قلبت دارد جلویت راه می رود، لیخند می زند، نگاهت می کند و تو در دلت هزار تکه انار، هزار تکه کاشی انگار می درخشند و به قول امروزی ها قلبت پروانه ای می شود. من برای دخترم هر از گاهی نامه

می نویسم. نامه هایی که لزوما او همه را نخوانده است و معلوم هم نیست این کاغذپاره ها را یک روزی بخواند، یا نه. ولی من می نویسم. دختر که استخوان می ترکاند، بزرگ و بالغ می شود، انگار یک هاله ای از مه می افتد وسط رابطه تان، انگار از یک چیزهایی هم تو خجالت می کشی، هم او دلت ضعف می رود یک دانه بیشتر بیوسی اش و چند ثانیه بیشتر بغلش کنی و انگار نمی شود. خیلی فکر کردم برای روز دختر چه بنویسم و بد ندیدم یکی از همین نامه ها را که برایش نوشته ام برایتان نقل کنم. خدا را چه دیدید شاید تجربه مشترک داشتیم در دخترداشتن.

من را ببخش به خاطر آن شب. آن شب بارانی که پرستارت با عشوه ای گل درشت به قصد مشتلقی مقبول قنداقه صورتی ات را آورد و وقتی گفتم: اینو ببر اتاق نوزادان برو خبر سلامتی مادرش رو بپار شیرینی بگیر همان شب بغض کردم. همان شبی که مادرت دیر به هوش آمد و توی اتاق نوزادان صورتت را چنگ انداختی و دو نفری به صورت زخمی ات زل زدیم و اشک ریختیم. من از همان شب از تو شرمند ام. یک بغض ده ساله چسبناک که مثل خشتی خیس بیخ گلویم لانه کرده و نمی گذارد توی چشم هایت زل بزنم.

ولی به دامنیت قسم هر بار توی لیوان هلوکیتی ات برایم شربت درست کردی نوشیدمت با همه پدرانگی ام. می دانی دختر جان پدر که باشی دلت ضعف می رود

به دخترانمان اهانت نکنیم



فصل اول
حسین ابراهیمی

روزهای قشنگی را می گذرانیم؛ تولد حضرت معصومه (ع) که روز دختر نام گذاری شده است و ایام جشنی که دهه کرامت نامیده شده است، اما این مناسبت را هر سال داریم و امسال باید ببینیم که در قدردانی و احترام دختران و سردست گرفتن کرامت دختر کجای کار هستیم.

کرامت دختر مسلمان به چیست؟ شک نداریم که احکام دین مثل دستوراتی که در باب عفاف و حجاب وجود دارد، به دنبال عزیز و محبوب کردن مؤمن است، ولی باید همه احکام را باهم دید و نمی شود یک بخش را گرفت و بخش دیگر را رها کرد. پیامبر خدا (ص) درباره دختران احادیث زیبایی دارند. بارها در احادیث ما آمده است که شخصی صرفاً به دلیل اینکه پدر دختری است و دختر دارد، وارد بهشت می شود، اما در بعضی احادیث شرطی برای این موضوع بیان شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: شخصی که دارای فرزند دختر است و به آن دختر آزار نرساند و به او توهین نکرده است و فرزند پسرش را بر او ترجیح ندهد، خدای متعال چنین شخصی را وارد بهشت می کند.

فرمود به شرطی بهشت می رود که به دخترش آزار نرساند و به او توهین نکند و حتی این مورد بیان شده است که پسرش را بر او ترجیح ندهد و این دستور برای همه ماست. اگر گفته می شود این دختر مسلمان کی در جامه ماست، مثل

هر شب دلم قدم به قدم می کشد مرا بی اختیار سمت حرم می کشد مرا ما در کنار صحن شما تربیت شدیم داریم افتخار که همشهری ات شدیم ما با تو در پناه تو آرام می شویم وقتی که با ملانکه همگام می شویم بانو! تمام کشور ما خاک زیر پات مردان شهر نوکر و زن ها کنیز هات خوشبخت قوم طایفه، ما مردم قمیم جاوگشان خواهر خورشید هستیم اعجاز این ضریح که همواره بی حد است ... چیزی شبیه پنجره فولاد مشهد است ما در کنار دختر موسی نشسته ایم عمری ست محو او به تماشا نشستیم

سید حمیدرضا برقی

دمای هوای مشهد	۲۵٪ رطوبت هوا	۲۱°↓ ۳۳°↑
صبح ۲۵	ظهر ۳۱	عصر ۳۲
شب ۲۷		

اوقات شرعی مشهد	اذان ظهر ۱۱:۲۸:۰۸	نیمه شب شرعی ۲۲:۳۷:۲۰
غروب آفتاب ۱۸:۳۵:۲۳	اذان صبح فردا ۰۲:۳۹:۱۷	
اذان مغرب ۱۸:۵۵:۵۳	طلوع آفتاب فردا ۰۴:۲۰:۵۳	

اول شخص

حجاب انتخاب من است

به بهانه روز دختر، درباره «فاطمه پیمان» نوشته ایم، اولین دختر باحجاب مسلمان که به مجلس سنای استرالیا راه یافت



آزاده چشمه سنی نویسنده

«من فاطمه پیمان، یک دختر مسلمان استرالیایی باریشه فرهنگی از افغانستان و دختر بزرگ از میان چهار فرزند خانواده ام هستم که در حومه شمالی شهر پرت (غرب استرالیا) بزرگ شده ام.» این یادداشت کوتاهی از فاطمه پیمان در سایت حزب کارگر بود که با آن خود را در کنار سایر رقبای نامزد رقابت های مجلس سنا، معرفی می کرد. شاید روزی که برای این انتخابات کاندیدا شد، حتی خودش هم باور نداشت به عنوان نخستین زن محجبه در تاریخ سنای استرالیا، صاحب کرسی شود. این را در نخستین نطق خود پس از پیروزی در انتخابات نیز به مردم استرالیا یادآور شد. از گذشته پرفراز و نشیب خود گفت. از پناهندگی پدرش روایت کرد که نخستین بار در سال ۱۹۹۵ هنگامی که فاطمه تنها چهار سال داشته، از طریق اقیانوس هند با قایق سفر کرده و خود را از نا امنی افغانستان به استرالیا رسانده است و چهار سال بعد، فاطمه کوچک که هشت سال بیشتر نداشته، به همراه مادر و خواهر و برادرهایش به پدر ملحق شده اند. پدری که برای آسایش و گذران یک زندگی عادی و آرام، از رانندگی تاکسی و آشپزی تا نگهداری را تجربه کرد و تمام توان و عمرش را برای رشد و امنیت و پرورش فرزندانش پشت سر گذاشت و حتی در روزهایی

روایت یک قاب آلبوم خواهر برادری



عباس و نویسنده
صدید سبحانی

کسانی که ما را نمی شناسند فکر می کنند ما دوقلو هستیم، اما رضا دو سال از من بزرگ تر است. البته اینکه این طور به نظر می رسد به دلیل وابستگی بیش از حد ما دو نفر به همدیگر است. نمی دانم این هم به نذر و دعا های مادر بزرگ ربط دارد یا نه. خب ربط که باید داشته باشد. همین که اسم من شد معصومه و برادر شد رضا، یعنی کاملاً ربط دارد. مادر بزرگ سر نمازش، توی حرم حضرت معصومه (ع)، وقت سفرش به مشهد و در هر امامزاده و موقعیت دیگری که مناسب می دید از خدا می خواست که بدون دیدن نوه، آن هم دوتا، از دنیا نرود. روی کاغذ و محاسبات علمی احتمال باردار شدن مادر چیزی نزدیک به صفر بوده است. هنوز هم یک پوشه قطور کاغذ آزمایش و نسخه و دوندگی درمانی دال بر این موضوع توی خانه ما هست. مادر آن ها را نگه داشته است که فراموش نکند و نکنیم همیشه می تواند روزنه امیدی

وجود داشته باشد ولو اینکه جهانی دیوار باشد. فقط باید ایمان داشت. یک سال و نیم بعد از به دنیا آمدن رضا مادر مرا باردار شده بود. از بیمارستان که مرخص شده بودیم، مادر بزرگ خواسته بود که از مسیر نزدیک حرم حضرت معصومه (ع) بروند. بعد هم نزدیک حرم توقف کرده بودند، مادر بزرگ مرا بغل کرده بود و رو به حرم حضرت معصومه (ع) ایستاده بود و گفته بود «می دانم وقتی شما ها کاری را انجام می دهید، سنگ تمام می گذارید. این دختر هم نام شماس و برادرش هم هم نام برادر شما، پس از شما می خواهم از همان جنس علاقه و محبتی که بین شما و برادر تان وجود داشت بین این دو نوه من هم جاری باشد.» باید بگویم که من و رضا فراتر از خواهر و برادریم، رفیق هم و محرم اسرار، غم من غم اوست و شادی او شادی من. این خواهر برادری عجیب شیرین است. چند سال است که قرار گذاشته ایم شب میلاد حضرت معصومه (ع) دو نفری می رویم حرم ایشان، بعد از زیارت یک عکس دو نفره می گیریم، در واقع روز تولد ایشان را قرار داده ایم جشن خواهر برادری خودمان. عکس را چاپ می کنیم و توی یک آلبوم مخصوص می گذاریم. امیدوارم تعداد این آلبوم عکس های دونفره به چند عدد برسد.

* این روایت زاده تخیل نویسنده است و هیچ ارتباط اسنادی و واقعی با اتفاق درون عکس ندارد، بلکه عکس صرفاً بهانه ای برای خلق روایت است.



عکس: محمد محسن زاده

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی: صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: میدان شهید، نبش دانشگاه ۱ دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱ نماینده: ۳۷۲۸۳۱۰ روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۰ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹۰



SHAHRARANEWS.IR

اشاره چهاردهم ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ اذی القعدة ۱۴۴۴ شماره ۳۹۴۵

اشاره

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

ميثاق نامه اخلاق حرفه‌اي

کارتون شهر



رضاجنگی میزان صادرات زعفران در سال گذشته ۸/۷ درصد کاهش داشته است.

روایت روز

اهدای عضو، زندگی ادامه دارد



عضو به بیماران نیازمند را دارند اما در یک سوم این موارد رضایتمندی به اهدا وجود دارد.

این در حالی است که هر روز ۲۵ هزار ایرانی در فهرست انتظار پیوند عضو قرار می گیرند. از این میان روزانه ۷ تا ۱۰ نفر و سالانه ۳ هزار نفر به دلیل نرسیدن عضو پیوندی مورد نیاز، جان خود را از دست می دهند.

این نشان می دهد که از طرفی ممکن است در بخشی از باورهای اجتماعی هنوز تردیدهایی وجود داشته باشد. با

آموزش و تبیین اهمیت این موضوع و تأکید بر وجه انسانی و زندگی بخشی به هم نوعان، می توان باورهای اجتماعی را به این سمت سوق داد. از طرف دیگر راه های دریافت کارت اهدای عضو را باید تسهیل کرد تا علاقه مندان به سادگی فرصت پیوستن به این کار را داشته باشند. باید این باور را نهادینه کرد که اهدای عضو، دادن فرصتی برای حیاتی دوباره و امید به فردای بیمارانی است که شمع وجودشان رو به خاموشی است و بخشش عضوی می تواند آن ها را وارد زندگی دوباره کند. در واقع اهدای عضو و نجات افراد بدون تردید برای همیشه ماندگار و تمرینی زیبا برای بخشندگی است.

اهدای عضو داستان پیچیده و پرفرازونشیبی را طی کرده است. دلیل اصلی این فرازونشیب هم برمی گردد به موافقان و مخالفان آنچه در حوزه فقهی و نگرش های اجتماعی است که بحث ها و دیدگاه های متفاوتی را به همراه داشته، خوشبختانه در حوزه فقهی گشایش های خوبی اتفاق افتاده است و هرچه زمان می گذرد، نگرش اجتماعی به اهدای عضو هم بهتر و امیدوارکننده تر می شود تا جایی که

هر روز بر تعداد دریافت کنندگان به اهدای عضو افزوده می شود. از این رو، به نظر می رسد فرهنگ سازی و تبیین بهتر و بیشتر موضوع اهدای عضو مهم است و رسانه ها سهم بیشتری در این زمینه دارند. تازه ترین آمار گویای این نکته است که تعداد مرگ مغزی هایی که می توانستند اند فرصت دوباره ای به دیگران برای زندگی بدهند و در مقابل تعداد بیمارانی که به دلیل بهرمنه نشدن از موهبت اهدای عضو جان خود را از دست داده اند، نگران کننده است. سالانه ۵ تا ۸ هزار مرگ مغزی در ایران اتفاق می افتد که ۵۰ درصد از آن ها قابلیت اهدای



روزنامه نگار و مدرس فراستاری
علیرضا جدیری